

روابط ایران و آلمان

در جنگ جهانی اول
۱۹۱۸-۱۹۱۴ م / ۱۳۳۶-۱۳۳۲ هـ ق

فهرست مطالب

مقدمه ناشر.....	۹-۱۰
مقدمه.....	۱۱-۱۴
نقد و بررسی منابع و مآخذ.....	۱۵-۲۸
زمینه تاریخی بحث.....	۲۹-۶۰
الف. نگاهی بر وحدت آلمان و تحولات اروپا در آستانه جنگ جهانی اول.....	۲۹
ب. نظری بر اوضاع ایران در سالهای قبل از جنگ.....	۴۰
ج. فعالیت آلمانیها در ایران قبل از جنگ جهانی اول.....	۴۸
فعالیت اقتصادی آلمانیها در خلیج فارس.....	۴۸
فعالیت فرهنگی آلمان در ایران.....	۵۴
فعالیت مبلغان آلمانی در ایران.....	۵۶
سابقه روابط سیاسی بین ایران و آلمان.....	۵۸
سابقه فعالیتهای علمی آلمانیها در ایران.....	۶۰

• **بخش اول:** نفوذ و قدرت‌نمایی آلمانیها در ایران (فعالیت آلمانیها از شروع جنگ تا پیشروی روسها به سوی تهران و ورود هیئت سایکس به ایران)

فصل اول: اعزام هیئتهای مختلف از سوی آلمان و عثمانی به ایران و افغانستان.....	۶۳-۹۴
الف. هیئتهای آلمانی.....	۶۴
۱. هیئت نیدرمایر.....	۶۴
۲. هیئت کلاین.....	۶۸
۳. هیئت هنتینگ.....	۷۵
۴. تشکیل کمربند شرق.....	۷۹
ب. هیئت‌های اعزامی از سوی عثمانی (رئوف بیگ - عبیدالله افندی).....	۸۶

فصل دوم: فعالیت آلمانیها در دوران صدارت مستوفی الممالک ۹۵-۱۲۱

۱. اعزام ولیعهد به آذربایجان ۹۶
۲. ماجرای قتل هوفمان (تاجر آلمانی) در مشهد ۹۸
۳. دستگیری اتباع آلمانی در جنوب، دستگیری افراد تجارتخانه ونکهاوس ۱۰۱
- دستگیری کنسول آلمان در بوشهر ۱۰۲
۴. فعالیتهای لیتن در تبریز ۱۰۵
۵. اقدامات کاردرف (کاردار سفارت آلمان در تهران) ۱۱۴
۶. پیشنهادهای مقامات ایرانی برای همکاری با آلمان ۱۱۷

فصل سوم: فعالیت آلمانیها در دوران صدارت مشیرالدوله ۱۲۳-۱۳۱

۱. ورود وزرای مختار آلمان و اتریش به ایران و پیامدهای آن ۱۲۳
۲. درخواستهای وزرای مختار متفقین از مشیرالدوله و مذاکرات موراتوریوم ۱۲۶
۳. تعویض وزرای مختار روس و انگلیس در ایران و کودتای متفقین ۱۲۶
- تشکیل کمیته برلین و فعالیتهای آن ۱۲۸

فصل چهارم: ریاست وزرایی عینالدوله و نقش آلمانیها در ایران ۱۳۳-۱۴۳

۱. آغاز فعالیتهای کانیتس ۱۳۳
۲. اقدامات آلمانیها در مورد بانک شاهنشاهی ۱۳۶
۳. مذاکرات عینالدوله با متفقین و آلمانیها ۱۴۰
- مذاکرات با فرانسویها ۱۴۰

فصل پنجم: ریاست وزرایی مجدد مستوفی الممالک و فعالیت آلمانیها ۱۴۵-۱۶۲

۱. مذاکرات موراتوریوم با متفقین ۱۴۵
۲. اولین پیشروی روسها به سوی تهران و پیامدهای آن ۱۴۶
۳. مذاکرات قرارداد بین ایران و آلمان ۱۴۷
۴. برنامه‌های کانیتس برای آغاز عملیات در ایران ۱۵۰
۵. مذاکرات کانیتس با نظام‌السلطنه و والی پشتکوه ۱۵۳
۶. طرح کودتای کانیتس ۱۵۷
- ۱۶۰

فصل ششم: فعالیت افراد گروه نیدرمایر در ایران ۱۶۳-۲۴۲

- فعالیت مأمورین آلمانی در اصفهان ۱۶۳
- برقراری تماس مأموران آلمان با ایلات قشقایی و بختیاری ۱۶۴
- ۱۶۸

۱۷۰	برقراری ارتباط زایلر با ژاندارمری و گروه‌های دیگر در اصفهان
۱۷۲	روابط زایلر با نایب حسین کاشی
۱۷۳	ایجاد پایگاه تلگرافی بیسیم در اصفهان
۱۸۳	فعالیت آلمانیها در منطقه کرمانشاه (شونمان، کلاین، ساره)
۱۹۶	فعالیت آلمانیها در کرمان (سوگمایر، گریزینگر، زایلر، بروگمان)
۱۹۹	روابط سوگمایر با روحانیان و دموکراتها
۲۰۱	روابط آلمانیها با هندوها در کرمان [ماجرای فرخ میرزا]
۲۰۲	اقدامات زایلر در یزد و کرمان
۲۰۹	فعالیت مأموران آلمانی در جنوب (واسموس و وسترو)
۲۱۸	شروع عملیات در بوشهر
۲۳۴	فعالیت آلمانیها در همدان (وبر - اردمان)
۲۳۸	فعالیت آلمانیها در اراک
۲۴۰	فعالیت آلمانیها در محلات
۲۴۱	فعالیت افسران آلمانی در نهضت جنگل

● بخش دوم: ضعف و شکست فعالیت آلمانیها در ایران (از پیشروی روسها به سوی تهران و ورود هیئت سایکس تا پایان جنگ)

فصل اول: شکست فعالیت آلمانیها در جنوب ۲۷۰-۲۴۵

۲۴۵	۱. تشکیل پلیس جنوب
۲۴۷	۲. سقوط موقعیت آلمانیها در جنوب (بوشهر و شیراز)
۲۶۲	ضعف موقعیت آلمانیها در کرمان پس از ورود هیئت سایکس

فصل دوم: فعالیت مأموران آلمانی در دوران مهاجرت اول ۲۹۴-۲۷۱

۲۷۱	۱. واکنش آلمانیها در برابر پیشروی روسها
۲۷۴	۲. تشکیل کمیته دفاع ملی در قم و نقش آلمانیها در آن
۲۷۶	۳. طرح مأموران آلمانی جهت نجات شاه از تهران
۲۸۱	۳. نقشه کانیتس برای تصرف همدان
۲۸۴	۴. قرارداد کانیتس با نظام السلطنه
۲۸۷	۵. نبرد کنگاور
۲۸۹	۶. فعالیت آلمانیها در کردستان و مأموریت دیوان بیگی

فصل سوم: فعالیت آلمانیها در دوران مهاجرت در کرمانشاه و قصرشیرین ۲۹۵-۳۰۸

۱. ایجاد تشکیلات سیاسی مهاجرین در کرمانشاه ۲۹۵
۲. مذاکره بلوشر با کلهرها ۳۰۰
۳. فعالیت آلمانیها در دوران مهاجرت در قصرشیرین ۳۰۱
۴. تشکیل جمعیت مدافعین وطن ۳۰۴
۵. مذاکرات نظام السلطنه و دکتر واصل ۳۰۶

فصل چهارم: فعالیت مهاجرین در عثمانی و نقش آلمانیها در این دوران ۳۰۹-۳۱۵

۱. مذاکرات انور پاشا با نظام السلطنه ۳۰۹
۲. مناسبات بین مهاجرین و آلمانیها در بغداد ۳۱۰
۳. پیروزی متحدین در جبهه بین‌النهرین و پیشروی عثمانیها به سوی ایران ۳۱۱

فصل پنجم: تأسیس حکومت موقت نظام السلطنه و نقش آلمانیها در آن ۳۱۷-۳۲۶

۱. ایجاد حکومت موقت در کرمانشاه ۳۱۷
۲. فعالیت نادولنی در کرمانشاه ۳۱۸
۳. روابط نادولنی با نظام السلطنه و عثمانیها ۳۲۰
۴. نتیجه مأموریت وحیدالملک در برلین ۳۲۱
۵. توطئه بر ضد نظام السلطنه و دخالت نادولنی ۳۲۳

فصل ششم: روابط ایران و آلمان تا پایان جنگ ۳۲۷-۳۳۰

۱. عملیات ایلدرم و طرح جناح شرق ۳۲۷
۲. فعالیت آلمانیها پس از قرارداد برست لیتوسک در ایران ۳۲۸

• ضمیمه

- الف. سابقه فعالیت بعضی از مأموران آلمانی ۳۳۱-۳۴۳
- ب. فهرست مأموران و مقامات آلمانی که در دوران جنگ جهانی اول وظایفی را در ایران، عثمانی و یا آلمان عهده‌دار بوده‌اند ۳۳۱

• منابع و مأخذ

- ۳۴۵-۳۵۴ **• اعلام**

- ۳۵۵-۳۷۷ **• تصاویر**

- ۳۷۹-۴۰۵

مقدمه ناشر

جنگ جهانی اول در شرایطی آغاز شد که کشور ما هنوز در تلاطمات ناشی از بحران مشروطیت بسر می‌برد. پس از استقرار مشروطیت انتظار آن بود که کشور تحت نظارت مجلس که محل تجمع نمایندگان مردم بود به سمت آرامش و استقرار عدالت و حکومت قانونی پیش برود، اما این چنین نشد. افراط انجمنها و مطبوعات و برخی نمایندگان مجلس، بهانه‌جوییهای مستبدین درباری، مداخلات بیگانگان و عوامل آنها در جهت ایجاد اغتشاش و نابسامانی شرایطی را به وجود آورد که قوای بیگانه به بهانه تأمین امنیت، قوای خود را به خاک ایران گسیل کرده و بخشهایی از کشور را به اشغال خود درآوردند. با شعله‌ور شدن آتش جنگ در اروپا دولت آلمان که پاشنه آشیل انگلستان را هندوستان تحت اشغال قوای انگلیسی می‌دانست توجه ویژه‌ای به ایران و افغانستان که کلید فتح هندوستان به شمار می‌آمدند پیدا نمود. همین امر موجب گسیل دسته‌های جاسوسی آلمانی به ایران و افغانستان شد که نبرد پنهان شبکه‌های جاسوسی قدرتها را با یکدیگر در این منطقه در پی داشت. تمام تلاش آلمانها معطوف به انحراف توجه انگلیسیها از جبهه‌های اروپا به هندوستان بود تا از فشار آنها در جبهه‌های جنگ کاسته شود. پیوستن امپراتوری عثمانی به آلمان در جنگ بر علیه انگلستان، پای همسایه غربی ایران را نیز به جنگ باز کرد و غرب کشور ما به صحنه تاخت و تاز سربازان عثمانی و

آلمانی تبدیل شد. حضور سربازان و نیروهای امنیتی عثمانی و آلمانی هرچند در درازمدت می‌توانست تهدیدکننده استقلال ایران باشد، اما در کوتاه‌مدت امکانی را برای مقابله با اقدامات استعماری روسیه و انگلستان که در ۱۹۱۵ ایران را به طور کامل بین خود تقسیم کرده بودند فراهم آورده بود که می‌توانست برای حفظ استقلال ایران مفید واقع شود. همین نکته برخی از رجال آن دوره را بر آن داشت که با اجرای طرحی هوشمندانه به تشکیل دو دولت در ایران مبادرت ورزند. دولتی در پایتخت که همچنان بر بیطرفی ایران در جنگ اصرار می‌ورزید و دولتی دیگر در مهاجرت سعی داشت با اتکاء به امکانات آلمان و عثمانی طرح تقسیم ایران را عقیم گذاشته و از فشار جانکاه استعمار روس و انگلیس بر استقلال و تمامیت ایران بکاهد. حساسیت به جای شهید مدرس در مقابل صدراعظم عثمانی که سعی داشت با اطلاق لفظ عجم به ایران و ایرانی آنان را تحقیر نماید، نشان می‌داد که همکاری با قوای عثمانی و آلمانی از نظر دولت ملی وسیله‌ای است برای اعاده عظمت و استقلال ایران که همه ملزم به رعایت آن می‌باشند و همکاری با عثمانی و آلمان نه تنها حقی برای آنها در جهت خدشه‌دار نمودن استقلال ایران ایجاد نمی‌کند، بلکه آنها را به عنوان یک همکار و شریک ملزم به رعایت استقلال ایران می‌نمود. کتاب «روابط ایران و آلمان در جنگ جهانی اول» بررسی تحلیلی روابط آلمان و ایران در مقطع جنگ جهانی اول است که مأموران اطلاعاتی آلمان توانستند لطمات فراوانی به امکانات و قوای روس و انگلیس در سراسر ایران وارد نمایند. بررسی جامع عملکرد و فعالیت هیئتهای اعزامی از سوی دولت آلمان به ایران می‌تواند زوایای تاریکی را از تحولات سیاسی ایران در آن سالها روشن نماید.

مقدمه

با آغاز جنگ جهانی اول در جبهه‌های اروپا، ایران نیز، به علت موقعیت سوق‌الجیشی خاص خود، جایگاه مهم‌تری در سیاست‌های بین‌المللی به دست آورد. البته این امر هنگامی جلوه‌بارزتری یافت که دولت عثمانی به نفع آلمانیها وارد جنگ شد و آلمانیها نیز سیاست اتحاد با دنیای اسلام را برای مقابله با روس و انگلیس در پیش گرفتند. براساس این سیاست، مسلمانان کشورهای ایران، افغانستان و عثمانی با هم متحد می‌شدند و هدف از آن مقابله با نیروهای انگلیسی در هندوستان و برانگیختن احساسات مردم مسلمان این کشورها برضد منافع بریتانیا در منطقه بود. البته سخنرانی ویلهلم دوم امپراتور آلمان و اعلام حمایت او از مسلمانان نیز در راستای همین سیاست بهره‌برداری از احساسات مردم مسلمان و در جهت ضربه‌زدن به منافع امپراتوری بریتانیا بود.

هدف اصلی آلمانیها از این طرح، ایجاد خطر و ناامنی در مرزهای هند و احتمالاً تحریک مسلمانان هندی و دیگر مسلمانان منطقه بود تا بدین ترتیب بریتانیا مجبور شود برای حفاظت از منافع خود، نیروهایی از جبهه‌های اروپایی خارج سازد و به این منطقه بفرستد. از طرف دیگر، اتحاد دولت عثمانی با آلمان موجب می‌شد که عثمانیها نیروهایی به مناطق مرزی ایران بفرستند تا در این نواحی با سربازان روسی که در غرب ایران مستقر بودند درگیر شوند. بدین ترتیب، روسها و انگلیسیها برای حفاظت از منافع خود ناگزیر می‌بایستی نیروهایی به منطقه اعزام دارند، علاوه بر آن، از نظر مالی نیز خساراتی متحمل بشوند.

پس از اجرای این سیاست بود که آلمانیها مصمم شدند هیئتهایی به افغانستان اعزام

دارند تا با برقراری روابط دوستانه با امیر افغانستان اتحاد او را با دولت انگلیس برهم زنند و پس از تصویب این طرح بود که تصمیم گرفته شد هیئت نیدرمایر از راه عثمانی و با همراهی عثمانی وارد خاک ایران شود و سپس عازم افغانستان گردد. البته، علاوه بر هیئت نیدرمایر، قرار بود هیئت دیگری نیز از سوی وزارت امور خارجه آلمان تحت سرپرستی هنتیگ عازم افغانستان شود؛ اما سرانجام، چنین تصمیم گرفته شد که دو هیئت مشترکاً حرکت کنند.

مشکلی که در این مرحله آلمانیها با آن روبه‌رو بودند تعداد اندک کنسولگریهای آلمان در شهرهای ایران بود. دولت آلمان فقط در دو شهر یعنی تهران و بوشهر کنسولگری داشت که این امر مشکل ارتباطات و هماهنگی را برای آنها پیش می‌آورد؛ زیرا عبور هیئت نیدرمایر و هنتیگ از ایران نیاز به حمایت و پشتیبانی داشت. برای رفع این مشکل چنین تصمیم گرفته شد که افرادی نیز به عنوان کنسول و کنسولیاری به شهرهای مهم ایران مثل اصفهان، شیراز، کرمان و مانند آنها فرستاده شوند تا فضای مناسبی را برای فعالیتهای آلمانیها و عبور هیئت از ایران فراهم سازند.

اندکی بعد، چندین گروه آلمانی از هیئت نیدرمایر عازم ایران شدند که عبور آنها از خاک عثمانی با کارشکنی ترکها روبه‌رو شد؛ زیرا عثمانیها هرچند در آغاز از این طرح اعزام هیئت به افغانستان استقبال نمودند و خود انورپاشا، یکی از سیاستمداران برجسته عثمانی، از مشوقان این طرح بود، اما عثمانیها به علت نزدیکی و همسایگی با ایران خود را در منطقه صاحب حق و ذی نفوذ می‌دانستند و علاقه‌ای به دخالت آلمانیها در این منطقه نداشتند. آنها مایل بودند ابتکار عمل در ایران را خود به دست گیرند. به هر حال، عزم راسخ آلمانیها موجب اعزام این هیئت شد.

بعد از اعزام این گروهها به ایران، عده‌ای از این کنسولها در ایران باقی ماندند و فعالیت خود را تا پایان جنگ ادامه دادند و عده‌ای دیگر نیز تحت رهبری نیدرمایر عازم افغانستان شدند. از جمله افراد باقی مانده در ایران می‌توان از شونمان، سوگمایر، گریزینگر، واسموس و... نام برد که با اقدامات خود موفق شدند، تا حدودی در اجرای نقشه‌های روس و انگلیس در ایران اختلال ایجاد نمایند.

گروه دیگری نیز از سوی آلمانها به ایران فرستاده شد که تحت رهبری کلاین (Klein) قرار داشت. وی مأموریت داشت یک خط ارتباطی بین بغداد - افغانستان - هند تشکیل دهد. اولین هدف آنها در این مسیر، نابود کردن تأسیسات نفتی بود.

و دومین هدف جلب توجه مراجع عالی قدر شیعه در کربلا و نجف بود تا اعلام جهاد نمایند. گروه کلاین تا حدی موفق شد به اهداف فوق دست یابد و سپس به همکاری با دیگر مأموران آلمانی در غرب ایران مشغول شد.

آلمانیها در ایران با مشکلات متعددی روبه‌رو بودند: اولاً دشمنان آنها در ایران، یعنی روس و انگلیس دارای نفوذ گسترده و سابقه طولانی حضور در ایران بودند و امکانات آلمانیها در ایران قابل مقایسه با متفقین نبود. روس و انگلیس بادر دست داشتن کنترل بانکهای شاهنشاهی و استقراضی نبض اقتصادی ایران را در دست داشتند در حالی که آلمانیها در رساندن کمک مالی به مأموران خود در طی جنگ با مشکلات متعددی روبه‌رو بودند. همچنین مشکل ارتباطی مانعی دیگر در راه آلمانیها بود؛ زیرا متفقین با در اختیار داشتن خطوط تلگرافی می‌توانستند خیلی سریع با کشورهای خود تماس بگیرند و دستورالعملهای لازم را دریافت نمایند. در حالی که آلمانیها از طریق سفارت آلمان در استانبول می‌توانستند با برلین ارتباط برقرار نمایند که همین امر نیز مشکلات را چند برابر می‌نمود؛ زیرا مسئله دخالت و اظهار نظر کارکنان سفارت آلمان در استانبول در پیامهای دریافتی و ارسالی به برلین و مشکل دیر رسیدن تلگرافها و گاهی ماندن تلگرافها در استانبول ارتباط با برلین را دشوار می‌نمود.

مشکل دیگر، عثمانیها بودند که همواره بین این دو متحد اختلافات زیادی در زمینه نحوه عملکرد در ایران وجود داشت. عثمانیها مایل بودند که آلمانیها نقش برجسته و پیشروانه‌ای در ایران برای ترکها در نظر بگیرند و مأموران آلمان در ایران تابع سیاستهای عثمانی باشند، و در مقابل، آلمانیها نیز مایل به حفظ استقلال عمل خود بودند. از طرف دیگر، عثمانیها اهداف و مقاصد تجاوز کارانه‌ای در ایران داشتند که می‌خواستند از فرصت به دست آمده در طی جنگ به این مقاصد نایل آیند که این امر نیز موافق نظر آلمانیها نبود.

موضوع دیگر، تعدد مراکز تصمیم‌گیری و سازماندهی در آلمان بود؛ وزارت امور خارجه و ستاد کل ارتش آلمان هر کدام مأمورانی به ایران اعزام می‌داشتند که دستورالعملها و برنامه‌های آنها با هم هماهنگ نبود و اختلاف نظر بین دیپلماتها و افسران همواره وجود داشت.

زیرا افسران و وابسته‌های نظامی مایل به اجرای سیاستهای خشن‌تر و شدیدتری بودند در حالی که دیپلماتهای آلمانی تمایل به سیاستها و روشهای محافظه‌کارانه داشتند

و هیچ طرح منسجمی برای هماهنگ ساختن این دو گروه در ایران وجود نداشت. همچنین گاهی نیز مأموران آلمانی در ایران، به علت مشکل ارتباطی با برلین، براساس ابتکار عمل خودشان فعالیت می‌کردند که این هم جریانات را پیچیده‌تر می‌ساخت. همینطور عدم شناخت دقیق در مورد ایران موجب می‌شد مقامات آلمانی در برلین و استانبول هرکدام طرحها و برنامه‌هایی برای عملیات در ایران در نظر بگیرند که منطبق بر شرایط زمانی و مکانی حاکم بر ایران نبود و موجب شکست و بی‌نتیجه ماندن این طرحها می‌گردید.

اما با وجود همه این مشکلات، آلمانیها توانستند در ایران تا حدی به اهداف خود که همانا سرگرم ساختن روس و انگلیس در ایران و کشاندن نیروهایشان به جبهه ایران بود برسند. اگرچه آلمانیها موفق نشدند قرارداد اتحادی را با دولت ایران امضا نمایند و این قرارداد فقط در حد مذاکرات باقی ماند و به مرحله عمل نرسید، اما مأموران آلمانی با اقدامات خود در زمینه ترور مأموران متفقین در ایران، تحریک مردم به قیام و شورش، ایجاد نافرمانی در میان افراد ژاندارمری، کارشکنی در کار بانک شاهنشاهی، حمله به بانکهای متفقین، تحریک ایلات به شورش و قیام، برانگیختن احزاب بر ضد روس و انگلیس و... موفق شدند قسمت قابل توجهی از نیروهای متفقین را از جبهه‌های دیگر جنگ به ایران بکشانند.

نقد و بررسی منابع و مآخذ

بررسی منابع و مآخذ

الف- منابع داخلی

۱. کتابها (خاطرات ایرانیها)

۱. حیات یحیی: یحیی دولت‌آبادی که خود در جریان مهاجرت حضور داشته است در جلد سوم این کتاب اطلاعات بسیار خوبی در مورد دوران مهاجرت اول به کرمانشاه و قصر شیرین به دست می‌دهد. در جلد چهارم نیز نویسنده مطالب جالبی در مورد مذاکرات خودش با مقامات عثمانی در بغداد آورده است.

۲. ایران در جنگ بزرگ: مورخ الدوله سپهر که منشی سفارت آلمان بوده و همچنین در قسمتی از روند مهاجرت پرنس رویس و آلمانها را همراهی می‌کرده مطالبی را به صورت یادداشتهای روزانه در کتاب خود ذکر نموده است. همچنین برای تکمیل مطالب از خاطرات بعضی از افرادی که در جریان حوادث حضور داشته‌اند بهره گرفته است. در مواردی نیز اطلاعاتی ارائه داده است که در هیچ یک از کتابهای این دوره وجود ندارد و از این جنبه بسیار مفید می‌باشد.

۳. زندگی من در هفتاد سال تاریخ معاصر ایران: احمد اخگر یکی از افسران ژاندارمری شیراز بوده است و در جریانات شیراز و دستگیری اوکانر و بقیه اتباع انگلیس حضور داشته است. از این نظر، در مورد حوادث شیراز کتاب آقای اخگر بسیار سودمند است؛ زیرا بسیاری از اعلامیه‌های کمیته حافظین استقلال را ذکر نموده که در منابع دیگر اصلاً وجود ندارد. این کتاب دارای اطلاعاتی است که در هیچ یک از کتابهای دیگر موجود نیست و بسیار باارزش می‌باشد.